

هدشار سیدحسن خمینی در دیدار دبیر کل و اعضای شورای مرکزی حزب مردم سالاری:

اگر «گفت و گو» نکنیم کار به دعوا می کشد



سید حسن خمینی در دیدار دبیر کل و اعضای شورای مرکزی حزب مردمسالاری گفت: اگر هیجان از حد معینی بالا برود جامعه دچار شکاف، گسسل و دعوا می‌شود. اینکه فقط اطراف خودمان را ببینیم غلط است. ممکن است اطرافیان من یک طور فکر کنند و اطرافیان شما طور دیگر فکر کنند؛ فکر نکنیم جامعه یکسان می‌اندیشد.

یسادگار امام با تأکید بر گفت و گو در جامعه، گفت: جامعه ما جامعه ای نیست که در آن یک طرف صد درصد و طرف دیگر صفر درصد باشد؛ بلکه جامعه ای با کلونی ها و مجامع فکری مختلف است. من در بیانیه ای که در اوایل حوادث اخیر نوشته بودم گفتم که اگر گفت و گو نکنیم کار به دعوا می کشد و با وجود دعوا کشور صد سال عقب می‌افتد.

به گزارش خبرنگار چهاران، حجت الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی پنجشنبه شب در دیدار دبیر کل و اعضای شورای مرکزی حزب مردمسالاری در حسینیه چمران، با اشاره به اینکه امام حسین(ع) در مناظره با معاویه می‌فرمایند، «عقل به کمال نرسد مگر با پیروی از حق»، تعریف حق را یکی از سخت ترین امور برشمرد و افزود: همه ما باید تابع حق و عدالت باشیم؛ اما مصادق عدالت چیست؟ کمونیست ها عدالت را به «تساوی» معنا می‌کردند که تعریف غلطی بود و به نتیجه نرسید و شکست خورد. ارسطویی ها آن را به «وضع شیء» فی محله» معنی می‌کنند. بعضی ها هم گفته اند، «عدالت یعنی آنچه که برای خودمان می‌خواهیم برای دیگران بخواهیم و چیزی که برای خودمان نمی‌خواهیم برای دیگران هم نخواهیم». وی ادامه داد: ممکن است تعریف های دیگری هم برای عدالت باشد؛ و در مورد مفهوم «حق» هم همین طور است. همه خودشان را حق می‌دانند و کمتر کسی است که بگوید من ناحق هستم. البته در بعضی جاها مسأله خیلی روشن

اینکه امروز هم امام مورد دشنام است به این خاطر است که زنده است

وی تأکید کرد: تا زنده هستید فحش می‌خورید؛ چون منشأ اثر هستید. اصلا اینکه امروز هم امام مورد دشنام است به این خاطر است که زنده است. شخصیت سیاسی اگر یک روز فحش نخورد باید بداند که مرده است؛ کم یا زیاد مهم نیست، مهم این است که روی عقیده ات بایستی و فحش بخوری. امام در ادامه آن جمله به آقای صانعی گفته بودند، «تا فحش نخوریم کار پیش نمی‌رود». یادگار امام سپس با توصیه به اینکه توجه کنید که از یک طرف بام نیتیم و نگویم ما روی حق هستیم، افزود: کسی که توانست رأی بیشتری جمع کند حکومت می‌کند. من اگر فکر می‌کنم بر حق هستم، روی حق محکم می‌ایستم، حرقم را هم می‌زنم و تمام توانم را به کار می‌گیرم؛ اما اگر نتوانستم جامعه را اقناع کنم، کسی که توانست اقناع کند باید حکومت کند. از سوسی دیگری، اگر نتوانستم جامعه را اقناع کنم، دلیل نیست که حق نیستم؛ حق بودن ربطی با اقناع ندارد. پس دوباره تلاش می‌کنم تا بتوانم.

اگر گفت و گو نکنیم کار به دعوا می کشد
سید حسن خمینی گفت: جامعه ما جامعه ای نیست که در آن یک طرف صد درصد و طرف دیگر صفر درصد باشد؛ بلکه جامعه ای با کلونی ها و مجامع فکری مختلف است. من در بیانیه ای که در اوایل حوادث اخیر نوشته بودم گفتم که اگر گفت و گو نکنیم کار به دعوا می کشد و با وجود دعوا کشور صد سال عقب می‌افتد. این طور هم نیست که از دل دعوا یک طرف پیروز بیرون بیاید. باید حجم کینه را در جامعه پایین بیاوریم؛ این کار را صاحبان تجربه می‌توانند انجام دهند، یعنی کسانی که یک پیراهن بیشتر پاره کرده اند. آنها نباید جو زده شوند و نباید به هیجان بیفتند.



برسانید باید ببیزید که به «نظر جمعی» عمل کنید. وی گفت: مغالطه دیگر در زمینه تشخیص حقیقت این است که برخی می‌گویند هر چه همه مردم می‌گویند درست است. گالیله را که به دادگاه بردند، همه می‌گفتند زمین ثابت است، ولی پایش را به زمین زد و گفت من که می‌دانم تو می‌چرخ! سید حسن خمینی سپس با اشاره به اینکه یکی از افتخارات تاریخ ایران امیرکبیر است، گفت: چنانکه برخی گزارش کرده اند، امیرکبیر در دوران خودش اصلا شخصیت محبوبی نبوده است؛ جامعه ایران اندیشه امیرکبیر را بر نمی‌تابیده و اتفاقا مردم طرفدار رقیبش بوده اند.

احزاب نباید دنبال اکثریت بروند بلکه باید به دنبال «جذب اکثریت» بروند

وی در بخش دیگری از سخنان خود در خصوص فعالیت احزاب گفت: متأسفانه احزاب یا جریان های سیاسی ما بین همین دوگانه دچار گیجی هستند؛ یا ضد مردمی می‌شوند، به این معنا که می‌گویند باید روی حقیقت بایستیم و مردم هیچ نقشی در زندگی سیاسی ندارند. و یا یکسره دنبال اکثریت راه می‌افتند. این در حالی است که احزاب نباید دنبال اکثریت بروند، بلکه باید به دنبال «جذب اکثریت» بروند. البته این را بدانند که صرفا اگر نتوانستند اکثریت را جذب کنند، قدرت می‌گیرند و اگر نتوانستند، باید دوباره سعی کنند تا با کسب نظر اکثریت قدرت را به دست بگیرند.

احزاب باید جو زده نشوند و موج آنها را نگیرد

یادگار امام تأکید کرد: این هیچ ایرادی بر کسی نیست که نظر او تا یک روزی مورد اقبال اکثریت باشد و روزی دیگر آنها از این اقبال بر گردند و دوباره بعد از چند وقت بیایند؛ این درست به دست شدن قدرت طبیعی است. این طور نیست که هر چه همه می‌گویند، ما باید همان را بگوییم؛ ما باید حرف خودمان را تبلیغ کنیم ولی در همان حال بگوییم هر دیدگاهی که اکثریت می‌خواهد همان باید حکومت کند؛ نه اینکه لزوماً من همان را بگویم که اکثریت می‌گوید. به همین جهت احزاب باید جو زده نشوند و موج آنها را نگیرند؛ باید خودشان را باور کنند، روی باوری که دارند بایستند و آن را بگویند.

اگر قرار باشد من را بدون عقیده ام دوست داشته باشید، دیگر من نیستم

وی ادامه داد: اینکه من از حق شما در آزادی بیان دفاع می‌کنم معنایش این نیست که از نظر من آنچه می‌گوی



حقوق گفت و گو کنیم؛ و بعد ببیزیم نتیجه ای در مقام عمل اعمال شود که برآیند کلی جمع ما است. این امر ساده و قابل فهمی است اما در همین مطلب ساده دو مغالطه جدی ممکن است پدید آید. یکی اینکه گروهی بگویند، «حق» ربطی به مردم، اکثریت و مردمسالاری ندارد، بلکه حق آن چیزی است که با قواعد خاص خود شناخته می‌شود. پس اصلا نباید به نظر اکثریت توجه کرد». البته این سخن درست است؛ چرا که صحت آنچه من حق می‌دانم وابسته به نظر اکثریت افراد نیست و من با عقل خود به آن رسیده ام، ولی سوال اینجاست که چرا باید آن را به شما تحمیل کنم؟! یا شما هم عقیده من هستید که سخنم را قبول دارید و یا اگر قبول ندارید من نمی‌توانم اجبار کنم که تو هم باید مثل من ببیندشی. یسادگار امام افزود: این گروه در دفاع از موضع خود می‌گویند «همه کسانی که در تاریخ حرف نو زده اند، ابتدا اکثریت نبوده اند» این سخن کاملا درست است؛ «حقیقت» هیچ نسبتی با اکثریت ندارد، ولی باید توجه داشت که «طاعت» نسبت مستقیم با اکثریت دارد.

پس می‌توان گفت که حقیقت چیزی نیست که همه مردم می‌گویند؛ ولی اگر شما نتوانستید حرف خودتان را به دیگران

است و طرف می‌گوید منافع من فلان تصمیم اقتضا کند؛ مثل کاری کنه ترامپ با برجام و یا صدام با معاهده الجزایر کردند و گفتند به نفع ما نیست و ما آن را کنار می‌گذاریم، چرا که منافع ما در آن تأمین نشده است. یعنی بحث عدالت و حق را به یک نوع منفعت شخصی بر گردانند؛ روشن هست که فطرت بشری این را غلط می‌داند.

سید حسن خمینی با اشاره به اختلاف نظر در مسائل عادی کشور، تصریح کرد: نمی‌توانیم بگوییم همه کسانی که این اختلاف نظرها را دارند می‌دانند که ناسحق می‌گویند و عمداً بر ناخوشان پافشاری می‌کنند. ممکن است بگوییم تو منفعت داری و یا از سوی دیگر بگوییم تو دست به گوشت نمی‌رسی و اگر می‌رسید فلان سخن را نمی‌گفتی. ولی نمی‌توان گفت همه کسانی که با یکدیگر متفاوت حرف می‌زنند حق را می‌شناسند و اعمدانه بر باطل ایستادگی می‌کنند تا حق را از بین ببرند. اینجا بحث تضاری افکار پیش می‌آید؛ یعنی طبیعی است که من یک طور فکر می‌کنم و شما یک طور دیگری فکر می‌کنید، من به یک چیز باور دارم و شما به یک چیز دیگر.

وی اظهار داشت: به همین جهت باید ببیزیم که پیرامون این

در فضای سیاسی حتما باید کسانی باشند که در شرایطی که همه هیجان دارند

هیجان را کنترل کنند

وی تأکید کرد: در فضای سیاسی کشور حتما باید کسانی باشند که در شرایطی که همه هیجان دارند، هیجان را کنترل کنند. یکی از شاهکارهای مدیریتی امام روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ است. وقتی عراق بمباران می‌کند و همه به شدت می‌ریزند، التهاب که بالا می‌رود، ایشان می‌گوید، «دزدی آمده و سنگی انداخته و در رفته است». ایشان با این سخن چنان هیجان سطحی را خنثی کرد که هیجان را کنترل می‌دهد. بهرآن سیاسی در سطح بزرگ و در سطح احزاب باید جایی که لازم است هیجان را به جامعه تزریق کنند و جایی که باید هیجان را از جامعه جمع کنند، این وظیفه را انجام دهند. یادگار امام در پایان گفت: اگر هیجان از حد معینی بالا برود جامعه دچار شکاف، گسسل و دعوا می‌شود. اینکه فقط اطراف خودمان را ببینیم غلط است. ممکن است اطرافیان من یک طور فکر کنند و اطرافیان شما طور دیگر فکر کنند؛ فکر نکنیم جامعه یکسان می‌اندیشد.

درست است؛ تو حق داری حرفت را بزنی، ولی ممکن است حرف تو اشتباه باشد.

بعضی وقت ها گفته می‌شود چون تو حق داری حرف بزنی، پس هر چه می‌گویی درست است؛ این سخن باطلی است. بلکه سخن صحیح این است که تو حق داری حرف بزنی، ولی حرف تو از دید من غلط است. یادگار امام تصریح کرد: یک جریان سیاسی باید این جمله را با آب طلا بر سر در فعالیت های خود نصب کند که «برای من بسیار مهم است که شما من را دوست داشته باشید، ولی نه به اندازه عقیده ام». یعنی اگر قرار باشد من را بدون عقیده ام دوست داشته باشید، دیگر من نیستم. سید حسن خمینی با تأکید بر اینکه حکومت باید برآیند کل مردم را در نظر بگیرد، گفت: روی عقیده خودتان بایستید. آیت الله حسن صانعی نقل می‌کند که «مسال های ۴۱ و ۴۲ یک روز داشتیم به خانه برادر امام می‌رفتم و دیدم پشت در خانه امام اطلاعاتی‌های چسبانه اند و یک صفحه فحش غیرتکراری به امام داده‌اند. آقای صانعی گفت این را کندم و امام داشت کنار حوض وضو می‌گرفت و این اطلاعات را در دست من دید و گفت صبح که رتم قدم بزنم دیدم اما نکندم؛ سپس گفتند، آدم زنده فحش می‌خورد».

گزارش رئیس ستاد برگزاری

بیست و یکمین کنگره

حزب مردم سالاری



مردم سالاری که خرداد ماه و با حضور دبیر کل، اعضای شورای مرکزی دفتر سیاسی، دبیران استانی و مسئولین کمیته‌های شاخه‌های مرکزی حزب در تهران برگزار شد، از جمله مصوبات مهم این نشست برگزاری کنگره در اوایل اسفندماه بود که بعد از این تصمیم در جلسات کمیته سیاسی موضوع بررسی و نتیجه بررسی‌ها به شورای مرکزی حزب گزارش شد و بلافاصله کمیته اجرائی تشکیل گردید.

ستاد اجرائی با حمایت دبیر کل و ستاد اجرائی به فعالیت خود ادامه داد. شایان ذکر است حزب مردم سالاری در دوره دو ساله دوم با ۸ همایش فصلی سیاسی و ۲۱ نشست شورای مرکزی و ۴۰ جلسه دفتر سیاسی و ۲۱ نشست هیات اجرائی افتخار دارد براساس اساسنامه و آیین‌نامه حزب با نظم حزبی و دستورات دبیر کل محترم به نحو احسن به وظایف قانونی و تشکیلاتی خویش عمل کرده است.

و طبقه خود می‌دانم از مسئولین محترم واحدها و دبیران محترم حزبی در استان‌ها و شهرستان‌ها و کمیته‌ها و اعضای شورای مرکزی به ویژه دبیر کل محترم حزب سیاست‌گذاری نموده و به استحضار برسانم که این کنگره بعد از مراسم افتتاحیه ۵ دستور اصلی ادامه خواهد یافت.

- ۱- برگزاری انتخابات جهت انتخاب اعضای شورای مرکزی حزب
- ۲- انتخاب دبیر کل حزب از سوسی عمومی کنگره
- ۳- تصویب محورهای اصلی قطعنامه کنگره
- ۴- تصویب اولویت‌های برنامه یک ساله آینده حزب
- ۵- دیدار با یسادگار حضرت امام(ره) جناب حجت‌الاسلام حاج سیدحسن خمینی خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی و ما راستگار

نقض و نادیده انگاشتن آزادی‌های مشروع و نقض حقوق شهروندی، یک درد مزمن در ایران است و قانونگذار درمان این درد را در تصویب قانون دانسته است. بدیهی است که صرف تصویب قانون برای حمایت کامل از این مهم، کافی نیست بلکه اجرائی آن نیز مهم است و قانون برای آنکه قابل اجرا باشد باید قانونی کارآمد باشد و از اوصافی برخوردار باشد که مانع متروک ماندن قانون گردد.

۴- نظام حزبی
احزاب سیاسی از جمله مهم‌ترین نهادهای سیاسی در نظام‌های دموکراتیک محسوب می‌شوند. در واقع، به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران دموکراسی بدون وجود احزاب سیاسی کارآمد و قوی بی‌معناست. علیرغم اهمیت احزاب سیاسی برای نظام‌های دموکراتیک متأسفانه در کشور ما احزاب سیاسی قدرتمند شکل نگرفته‌اند. ضعف احزاب سیاسی در کشور ما می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد که یکی از فاکتورهایی که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر احزاب سیاسی و نظام حزبی در هر کشور بگذارد ولی در تحقیقات صورت گرفته در کشورمان به آن پرداخته نشده است فاکتور نظام انتخاباتی است.

این در حالی است که به اعتقاد صاحب نظران مسائل احزاب و دموکراسی، نظام انتخاباتی مورد استفاده در هر کشور از جمله مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به نظام حزبی در هر کشور می‌باشد. امید است با قبول بن‌بست‌های موجود در قانون اساسی که فقط فاکتورهایی از آن در اینجا به اختصار بیان شد، حاکمیت قدیمی هرچند کوچک برای رفع مشکلات کنونی کشور گام بردارد.

گزارشی از شکل گیری بیست و یکمین کنگره حزب مردم سالاری

در نشست ۸۹امین همایش فصلی حزب

حقوق بشر، یعنی به حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، شاخص حکمرانی مطلوب می‌باشد.

۲- انتخابات آزاد

باتوجه به این که منشأ قدرت حکومت- در جوامع دموکراتیک- اراده مردم است که این اراده به وسیله انتخابات ایزاز می‌گردد، برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه یکی از متداول ترین و مهم‌ترین شیوهها و ابزارها برای ایزاز این اراده و تحقق مشارکت مردمی در حیات عمومی و اعمال موثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به شمار می‌آید. تا جایی که تحقق «حق مشارکت در حیات عمومی» و تشکیل حکومت و تأمین آزادی مشارکت عموم افراد در اداره امور جامعه که به عنوان حقوق اساسی افراد در نظام حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، منوط به برگزاری انتخاباتی آزاد و عادلانه است. این امر که منشأ قدرت حکومت در جوامع دموکراتیک، اراده مردمانی است که از طریق انتخابات آزاد و عادلانه ابراز می‌گردد، امری مقبول در نظام بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌شود. اما برای آن که انتخاباتی را بتوان به عنوان انتخابات آزاد و عادلانه تلقی نمود،



اساسی صدا و سیما و قوه قضاییه اشاره کرد. امام خمینی(ره) با اتخاذ یک تصمیم اساسی، روند مشورت‌دهی، مشورت‌گیری را تکمیل نمودند و در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۸، طی حکم خطاب به ریاست‌جمهوری وقت (آیت‌الله خامنه‌ای) دستور تشکیل شورای بازنگری قانون اساسی را صادر نمودند. یکی از موضوعات بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، اصل بازنگری است که در فصل چهاردهم الحاقی (اصل یکصد و هفتاد و هفتم) قانون اساسی، تحت عنوان بازنگری در قانون اساسی، پیش‌بینی شده است. براساس این اصل، مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس‌جمهور موارد اصلاح و... قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می‌نماید. و حال بعد از گذشت نزدیک به ۲۴ سال از بازنگری قانون اساسی قطعا بن‌بست‌هایی در قانون اساسی وجود دارد که رفع آن می‌تواند خیلی از مشکلات کشور را در مقطع کنونی حل نماید که به اهم آنها اشاره می‌گردد.

۱- حکمرانی مطلوب

پاسخگویی به عنوان یکی از مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب به‌منواره مورد توجه پژوهشگران حوزه حقوق عمومی و سیاست بوده است. علیرغم توجه پژوهشگران حقوقی به مفهوم پاسخگویی، همچنان مفهوم پاسخگویی و ارکان آن در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و در مواردی این مفهوم با مفاهیم مشابه خود خلط می‌شود. حکمرانی مطلوب شکل آرام سیاسی حکمرانی است که اداره امور عمومی، مدیریت منابع عمومی و رعایت حقوق بشر را به شیوه‌ای انجام می‌دهد که معمولاً به دور از بهره‌برداری‌های غیراخلاقی و فساد و مبتنی بر فرآیند قانونی باشد. میزان تعهد و پایبندی حکومت‌ها به ابعاد مختلف

محمدرضا حقی، رئیس ستاد برگزاری بیست و یکمین کنگره حزب مردم سالاری هم ضمن ارائه گزارشی از روند شکل‌گیری کنگره، به برخی موضوعات مرتبط با این کنگره اشاره کرد. متن کامل سخنان رئیس ستاد برگزاری کنگره بدین شرح است:

حضور میهمانان عزیز، نمایندگان محترم مجلس، اصحاب رسانه، دبیران کل احزاب، مسئولان اجرائی و فعالان سیاسی را در بیست و یکمین کنگره حزب مردم سالاری گرامی دانسته و خیر مقدم عرض می‌کنم. شعار امسال کنگره «رفع بن‌بست‌های قانون اساسی، لازمه برون‌رفت از مشکلات کشور» می‌باشد. قانون اساسی مهمترین متن مکتوب قانونی در یک جامعه سیاسی منسکول و مستقل است که نظام سیاسی، اجتماعی، قضایی، اقتصادی و فرهنگی یک ملت و دولت را تعیین می‌کند و متضمن قواعد و مقررات مربوط به قدرت، انتقال و اجرای آن است و به عنوان میثاق ملی به مثابه زیربنای ساختمان حقوقی -سیاسی جامعه نقش ایفا می‌کند و علاوه بر تضمین حقوق و آزادی‌های مردم به تعیین قدرت سیاسی و تقسیم‌بندی و سلسله مراتب مراجع دولتی سامان می‌بخشد. قانون اساسی در حقیقت مهم‌ترین سند مربوط به حقوق عمومی و حقوق اساسی محسوب می‌شود و البته که سعادت ملتها در گرو صحت در تدوین و اجرای آن است.

در سال ۱۳۶۸ با گذشت ۱۰ سال از تصویب قانون اساسی با پیشنهاد حضرت امام(ره)، اصلاحاتی در قانون اساسی صورت گرفت که برگرفته از هوش سیاسی امام راحل و حل بن‌بست‌های موجود در شرایط کشور بود که به اجمال می‌توان به مهمترین بخش‌های تغییر آن از جمله در بخش رهبری، ریاست جمهوری، مجمع تشخیص مصلحت، مجلس شورای اسلامی، قوه مجریه، ترتیب بازنگری در قانون